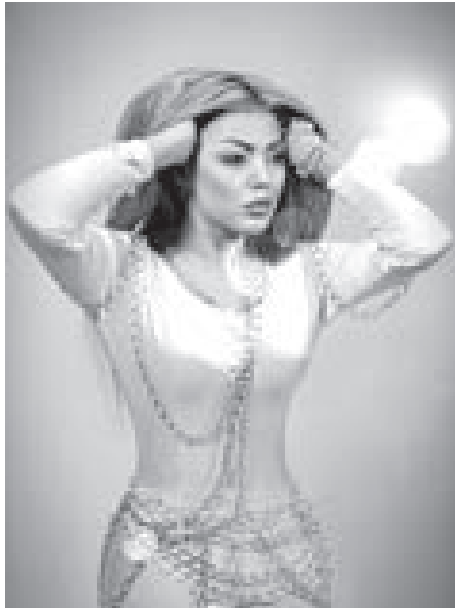


یا مژگان عظیمی
در باره وضعیت زنان
افغانستانی دروغ
می گوید، یا او چیزی
رامی گوید که طرف
دیگر معامله، یعنی
امریکا و اروپا دوست
دارند گفته شود



به قصه موزیک ویدیو است.
ترکیب این سه جزء در کنار هم
یک ادعا را بر ساخت می کند:
زنان در افغانستان فرودست
هستند. برای این ادعا نیز چند
موید ذکر می شود: زن مثل
کالا به خرید و فروش می رسد.
زنان عاملیتی در ازدواج
خود ندارند. زنان در فرهنگ
مردسالارانه زندگی می کنند.
زنان از بدو تولد تا لحظه مرگ
جان و اختیارشان در دست
مردان است. مشکل در همین
ادعا و استدلال های پیرامونی
است.

فرض می گیریم که ما با جامعه
و سیاست در افغانستان
آشنایی نداریم. زنان فرودست

چگونه امکان سخن گفتن دارند؟ این موزیک ویدیو به ما می گوید که زنان صدایی ندارند
و صدایشان توسط مژگان عظیمی به گوش می رسد. هنگامی که کسی صدای فرودستان
می شود، می بایست تمام عوامل فرودست شدن فرودستان را یادآوری کند. هنگامی که
از یک طرف به ما جرانگریسته می شود، باید سراغ اغراض و نیت ها رفت. مژگان عظیمی
به عنوان سلبریتی افغانستانی ساکن اروپا به صورت اغراق شده و یکجانبه از وضعیت زنان
سخن می گوید. ایراد کار او را بیشتر نیز گایا تری چاکراورتی اسپیواک، منتقد فمینیست،
صاحب نظر در ادبیات تطبیقی و از چهره های شاخص مطالعات پسااستعماری تذکر داده
بود. او می گفت زنان سبک در هند فرودست هستند اما کسی صدای آنان را نمی شنود.

طرفداران فرهنگ سنتی استعمارگران را مقصر جلوه می دهند و استعمارگران تقصیر
را بر گردن فرهنگ شهوت سالار هندی می اندازند، اما کسی نمی گوید که خود زنان
سبک چرا سخن نمی گویند؟ صورت مسأله فرودست نشان دادن زنان در افغانستان
نیز چنین است. کسی نمی پرسد چرا مژگان عظیمی سهم امریکا و استعمارگران غربی
در فرودست کردن زنان افغانستانی را یادآوری نمی کند و چرا تأکید بیش از اندازه بر
فرهنگ شهوت سالار دارد؟ اصلاً مسأله همین است که سلبریتی صدای فرودستان شده
است. فارغ از صحت یا کذب بودن ادعای فرودست بودن زنان در افغانستان، تبدیل
کردن مژگان عظیمی به تربیون زنان افغانستانی خود محل تردید است. همچنان که
در ابتدا نیز ذکر شد، دو حالت بیشتر وجود ندارد: یا مژگان عظیمی درباره وضعیت زنان
افغانستانی دروغ می گوید، یا او چیزی را می گوید که طرف دیگر معامله، یعنی امریکا و
اروپا دوست دارند گفته شود.